

A Comparative Study of Sunni and Shi'i Exegetical Narrations on the Verse of Corruption (Qur'an 30:41)*

Farzaneh Nikbakht**
Tahereh Mahrozadeh***

Abstract

This study presents a comparative analysis of the exegetical narrations employed in Sunni and Shi'i Qur'anic commentaries on verse 41 of *Sūrat al-Rūm*. Given the lack of a comprehensive comparative investigation dedicated specifically to the exegetical narrations associated with this verse, the present study addresses a significant gap in the existing literature. Employing a descriptive-analytical method within a comparative framework, the study classifies and examines the exegetical narrations of both traditions across four thematic dimensions: the concepts of land (*barr*) and sea (*baḥr*), corruption (*fasād*), the educational and moral objectives of the verse, and historical-political and Mahdist interpretations. The findings reveal that although the exegetical narrations cited in the commentaries of both traditions exhibit notable conceptual similarities, they also reflect substantial differences arising from the commentators' distinct epistemological and theological foundations. Narrations transmitted in Sunni commentaries primarily emphasize ethical and social interpretations, together with the natural and economic consequences of human wrongdoing. By contrast, Shi'i commentaries more frequently incorporate narrations that, alongside these interpretive dimensions, associate the concept of corruption with the doctrines of the Imamate, the Occultation (*Ghayba*), and the expectation of the appearance of the Savior.

Keywords: Comparative Study; Corruption (*Fasād*); Exegetical Narrations; Verse 41 of *Sūrat al-Rūm*

* Received: 2026-02-09 Revised: 2026-07-25 Accepted: 2026-08-05

** Master's student at Hazrat Masoumeh University (SA), Iran. (The Corresponding Author) Email: Farzanehnikbakht3@gmail.com

*** Assistant Professor OF Qur'ān and Ḥadīth, Bent al-Hudā Institute of Higher Education, al-Muṣṭafā International University Iran. Email: Mahrozadeh@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

دو فصلنامه تفسیر پژوهی اثری

سال دوازدهم، جلد دوم، پیاپی ۲۴

پاییز و زمستان ۱۴۰۴

صفحات ۳۶۱-۳۳۵

DOI: [10.22049/quran.2026.31441.1553](https://doi.org/10.22049/quran.2026.31441.1553)

مقاله علمی - پژوهشی

مطالعه تطبیقی روایات تفسیری فریقین در تفسیر آیه ظهور فساد (آیه ۴۱ سوره روم)*

فرزانه نیکبخت**

طاهره ماهرزاده***

چکیده

این پژوهش به مطالعه تطبیقی روایات تفسیری به کار رفته در تفاسیر اهل سنت و شیعه ذیل آیه ۴۱ سوره روم می‌پردازد. با توجه به فقدان پژوهش جامعی در زمینه بررسی تطبیقی روایات تفسیری ذیل آیه مذکور ضرورت انجام این مطالعه مشخص می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی به دسته بندی روایات تفسیری فریقین پرداخته‌است و گونه‌های مختلف روایات را در محورهای «بر» و «بحر»، «فساد»، غایت تربیتی آیه و رویکردهای تاریخی - سیاسی و مهدوی تحلیل کرده‌است. یافته‌های پژوهش نشان داد که روایات تفسیری به کار رفته در تفاسیر فریقین علاوه بر اشتراکات در بعضی از مفاهیم دارای تفاوت‌های ناشی از اختلاف در مبانی معرفتی و کلامی مفسران است. روایات نقل شده در تفاسیر اهل سنت بیشتر به تبیین‌های اخلاقی، اجتماعی و پیامدهای طبیعی و اقتصادی گناهان اشاره دارند اما مفسران شیعه بیشتر از روایاتی بهره برده‌اند که علاوه بر این معانی، مفهوم «فساد» را با مسأله امامت، غیبت و انتظار برای ظهور منجی پیوند زده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آیه ۴۱ سوره روم، فساد، روایات تفسیری، مطالعه تطبیقی.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۵/۱۴

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه حضرت معصومه (س)، ایران. (نویسنده مسئول) ایمیل:

Farzanehnikbakht3@gmail.com

*** استادیار قرآن و حدیث مجتمع آموزش عالی بنت الهدی جامعه المصطفی العالمیه. ایمیل:

Mahrozadeh@gmail.com



۱. مقدمه

آیه ۴۱ سورة روم: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» یکی از آیات بنیادین در بیان نسبت میان اعمال انسان و اختلال در نظام فردی، اجتماعی و طبیعی است. در این آیه مفاهیمی همچون «فساد»، «بر و بحر»، «کسب» و «چشاندن اعمال» وجود دارد که مفسران با خوانش‌های مختلف کلامی، روایی، ادبی، اجتماعی و فلسفی به تبیین آن پرداخته‌اند.

در بین رویکردها، رویکرد تفسیر روایی دارای اهمیت ویژه‌ای است؛ زیرا بررسی روایات تفسیری ذیل آیه، ساز و کارهای اولیه تفسیر و فهم نخستین مسلمانان از آیه را نشان می‌دهند.

در این پژوهش تلاش شده است به این سوال پاسخ داده شود که تفاوت مبانی کلامی مفسران شیعه و اهل سنت چه تأثیری بر جهت‌گیری روایات تفسیری ذیل آیه ۴۱ سورة روم دارد. مفسران فریقین در تبیین این آیه، طیف متنوعی از روایات تفسیری را به کار برده‌اند به طوری که واژه «فساد» را به معانی مختلف از جمله اختلالات طبیعی، گناهان فردی و اجتماعی، وقایع تاریخی خاص و انتظار منجی نسبت داده‌اند. این تنوع روایات بیانگر مفهوم چند لایه از آیه است به طوری که می‌تواند در بسترهای مختلف دارای معانی و کارکردهای مختلفی باشد.

مقاله حاضر با هدف تطبیق روایات تفسیری نگاشته شده است. شیوة پژوهش در این نوشتار توصیفی، تحلیلی و تطبیقی بر پایه روایات تفسیری به کاررفته در تفاسیر اهل سنت و شیعه ذیل آیه ۴۱ سورة روم است و تلاش می‌کند که با دسته‌بندی روایات تفسیری، علاوه بر تبیین گونه‌های مختلف روایات، موارد اشتراک و افتراق دو گروه را

بیان کند و نشان دهد که مفسران اهل سنت و شیعه چگونه آیه ۴۱ سورة روم را برای بیان مبانی اخلاقی، اجتماعی و تاریخی به کار گرفته‌اند. تفاسیری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند اعم از سنی و شیعه، تفاسیری هستند که با توجه به خوانش‌های مختلف در تحلیل آیه، دارای دیدگاه‌های متفاوتی هستند. این اختلافات، تنوع برداشت‌ها را به دنبال دارد که نشان‌دهنده غنای سنت تفسیری است که امکان تحلیل‌های چند بعدی را می‌دهد.

با جست‌وجویی که انجام گرفت مشخص شد مطالعات محدودی در این زمینه انجام شده‌است که بیشتر با روی‌کرد تفسیری انجام شده‌اند و کمتر به تحلیل روایات تفسیری ذیل آیه پرداخته‌اند.

از جمله می‌توان به مقاله «بررسی تفسیری «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» (نکویی و همکاران، ۱۳۹۴) اشاره کرد که پاسخ‌های مفسران ذیل آیه را جمع‌آوری و تحلیل کرده و هدف از آن روشن کردن منظور آیه از واژه فساد به معنای گناهان یا نتیجه گناهان و همچنین مشخص کردن معنای تکوینی بودن آثار زیانبار گناه است. از نقاط قوت این پژوهش تمرکز بر فهم خود آیه است اما در آن به تطبیق مفسران فریقین در به‌کارگیری روایات پرداخته نشده‌است.

مقاله‌ای دیگر با عنوان «ظهور فساد و تاثیر آن بر عالم و انسان از دیدگاه قرآن و حدیث» (موسی زهی و همکاران، ۱۴۰۰) که به بررسی نظرات مفسران و بزرگان پرداخته‌است تا تأثیر گناهان بر جهان هستی را ثابت کند. این پژوهش با اینکه از منابع گسترده استفاده کرده اما روی‌کرد تطبیقی میان روایات تفسیری را به کار نبرده‌است.

بنابراین تا کنون پژوهشی به مطالعه تطبیقی روایات تفسیری فریقین ذیل آیه ۴۱

سورة روم و تحلیل آن‌ها نپرداخته‌است. در این پژوهش تلاش شده‌است با دسته‌بندی منابع روایی بر اساس محتوای آنان، به علت تفاوت‌ها دست پیدا کرد.

۲. واژه‌شناسی

در این قسمت قبل از ورود به بحث به بررسی لغوی واژگان پرداخته شده‌است:

۱-۲. فساد

«فساد» ضد صلاح (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/ ۱۲۱) و به معنای باطل شد، نابود گردید و گاهی به معنای تغییر آمده‌است (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۵/ ۱۶۴). تباهی (قرشی بنایی، ۱۳۷۱: ۵/ ۱۷۴) و آسیب و خرابی ایجاد کردن نیز از معانی دیگر آن می‌باشد (عمر، ۱۴۲۹: ۳/ ۱۷۰۷). در آیه ۴۱ سورة روم: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ» منظور از فساد خشک‌سالی و قحطی دانسته شده‌است (ابن منظور، بی‌تا: ۳/ ۳۳۵).

بنابراین فساد در لغت به معنای ضد صلاح، تباهی نابودی و تغییر در چیزی بیان شده‌است.

۲-۲. «برّ»

«برّ» مصدر و اسم مصدر از ریشه «ب ر ر» است. «برّ» در کتب لغت دارای معانی مختلف است از جمله اینکه یکی از نام‌های خداوند است. (ابن منظور، بی‌تا: ۴/ ۵۲) همچنین به معنای بیابان (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/ ۲۵۹)، صادق (معلوف، ۱۳۷۱: ۲/ ۳۰) و بسیار نیکوکار (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/ ۲۵۹) بیان شده‌است.

۳-۲. «بحر»

«بحر» در لغت به معنای گسترده بودن است. (همان: ۲۱۹) همچنین به معنای دریا و آب

وسیع هم به کار رفته است (طریحی، ۱۳۷۵: ۳/۲۱۴). از نظر راغب «بحر» در اصل مکان وسیعی است که دارای آب فراوان است و گاهی وسعت آن را در نظر می گیرند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۰۸).

۲-۴. مطالعه تطبیقی

تفسیر تطبیقی همان مطالعه تطبیقی تفاسیر قرآن درمورد یک موضوع یا مکتب و روش دو مفسر است و هدف محقق این است که تفسیر دو مفسر از یک آیه، که هرکدام دارای گرایش فکری متفاوتی هستند را به صورت تطبیقی مطالعه کند و از راه مقایسه به اختلاف های دو تفکر، دو مذهب و دو دین دست پیدا کند و دیدگاه صحیح را برگزیند (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۳: ۸/۲۲۳).

۳. تحلیل روایات تفسیری در تفاسیر فریقین

مفسران فریقین ذیل آیه ۴۱ سورة روم گزارش های روایی مختلفی درباره محورهای مختلف آیه ارائه داده اند. در این بخش به گردآوری، دسته بندی و تحلیل روایات پرداخته شده است.

۳-۱. روایات ناظر به مفهوم «بر» و «بحر»

بررسی روایات تفسیری به کاررفته در تفاسیر فریقین ذیل آیه ۴۱ سورة روم نشان می دهد که معنای واژگان «بر» و «بحر» در سنت روایی مختلف است. در روایات نقل شده، این دو واژه صرفا به معنای ظاهری خشکی و دریا نیستند، بلکه معانی اجتماعی، جغرافیایی و گاهی استعاری برای آنها بیان شده است.

در تفاسیر اهل سنت اقوالی از ابن عباس، مجاهد، عکرمه، حسن و سدی با معنای مشابه درمورد واژگان «بر» و «بحر» نقل شده اند. از محورهای مشترک این اقوال،

مفهوم جغرافیایی و زیست محیطی از این واژگان بر اساس انواع سکونت گاه‌ها و نوع دسترسی به آب است.

روایات نقل شده در تفاسیر اهل سنت اغلب ناظر به مصادیق جغرافیایی و اجتماعی هستند. نقل‌هایی از مجاهد و عکرمه در مورد معنای «بحر» به عنوان هر آبادی کنار آب روان آمده است (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸ / ۵۱۰). حسن هم در روایتی بر همین معنا تأکید دارد و «بحر» را اینگونه معنا کرده است: «أَنَّ الْمَرَادَ بِالْبَحْرِ: مَدَنُ الْبَحْرِ وَ قَرَاهُ الَّتِي عَلَى شَاطِئِهِ» (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۸۲)؛ بحر به معنای شهرهای دریا و روستاهای آن است که بر ساحلش قرار دارند. از طرفی مجاهد «بر» را به معنای شهرها و روستاهایی می‌داند که کنار آب نیستند (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۲۶۳). در نقل دیگری از عکرمه در مورد واژه «بحر» اینگونه نقل شده است: «إِنَّ الْعَرَبَ تُسَمِّي الْأَمْصَارَ بَحْرًا» (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸ / ۵۱۰ و ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۸۲) به این معنا که عرب شهرها و آبادانی‌ها را دریا می‌نامیدند. این استعمال از واژه «بحر» نشان می‌دهد که در استعمال عرب جاهلی معنای استعاری داشته است.

در نقل‌های دیگر تقسیم‌بندی جغرافیایی به طور صریح به شهرها نسبت داده شده است مانند نقلی از سدی که «بر» را به معنای شهرهای دور از دریا همچون مکه و مدینه و «بحر» را شهرهای ساحلی همچون کوفه، بصره و شام دانسته است (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۹ / ۳۰۹۲). در برخی دیگر از اقوال دو گروه اجتماعی در معنای این واژگان بیان شده است، «بر» به معنای بادیه‌نشینان و «بحر» به معنای شهرنشینان اطلاق شده‌اند (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۸ / ۲۸۴). این روایات بیانگر کارکرد توصیفی واژگان «بر» و «بحر» در زمان نزول هستند.

در تفاسیر شیعه نیز چهار روایت که در ادامه به تحلیل آن‌ها پرداخته شده است،

در تبیین مفهوم همین واژگان بیان شده‌اند که در بین آن‌ها روایتی در معنای لغوی واژگان نیز بیان شده‌است. این روایات نیز همانند روایات نقل شده در تفاسیر اهل سنت، تفسیر جغرافیایی و زیست محیطی از واژگان اما با بیان تفاوت‌های زیست‌گاهی و نوع آبادی‌ها است.

در قولی که به تحلیل لغوی پرداخته، علت نامگذاری این واژگان بیان شده‌است و «بر» را زمین‌های خشک دانسته و به دلیل اینکه اقامت در آن سودمند است به این نام خوانده می‌شود و «بحر» را مجرای گسترده آب معنا کرده‌اند (طوسی، بی‌تا: ۸/ ۲۵۷).

در نقل‌هایی از قتاده (حاکم جشمی، ۱۴۴۰: ۸/ ۵۶۲۹) و حسن (کاشانی، ۱۳۸۱: ۵/ ۲۷۲) همانند بعضی از اقوال در تفاسیر اهل سنت، «بر» و «بحر» به معنای دو گروه اجتماعی یعنی بادیه نشینان و ساکنان شهرها و روستاهای کنار آب معنا شده‌اند. در بعضی از اقوال، به صورت استعاری «بر» به معنای عوام و «بحر» به معنای علما تبیین شده‌اند (حاکم جشمی، ۱۴۴۰: ۸/ ۵۶۲۹). در این تحلیل فساد ابتدا در علما به دلیل بدعت گذاری، دنیا طلبی و غفلت ظهور پیدا می‌کند و سپس در بین عامه مردم گسترش پیدا می‌کند.

علاوه بر این بعضی از نقل‌ها به طور مشترک در تفاسیر فریقین در تبیین معنای واژگان «بر» و «بحر» آمده‌اند که همگی ناظر به تفسیر جغرافیایی و اجتماعی مفهوم آیه با تأکید بر تمایز میان بادیه، شهر و انواع زیست‌گاه‌ها هستند.

در این روایات «بر» به معنای ظهر الارض و خشکی‌های قابل سکونت و «بحر» به معنای شناخته شده دریا اطلاق شده‌است (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸/ ۵۱۱ و طبرسی، ۱۴۰۸: ۸/ ۴۸۰). این اختلاف اقوال در تفاسیر فریقین می‌تواند بیانگر تفاوت زاویه نگاه و تجربه زیستی راویان باشد.

بنابراین بررسی روایات تفسیری ناظر بر مفهوم «بر» و «بحر» در تفاسیر فریقین نشان می‌دهد که مفسران در این محور از آیه اغلب روی‌کرد جغرافیایی، اجتماعی و زیست‌محیطی دارند و تفاوت‌های مذهبی در بهره‌گیری از روایات نقشی ندارد. هر دو گروه در مفهوم «بر» و «بحر» روایاتی با معانی مختلف جغرافیایی، اجتماعی و لغوی را نقل کرده‌اند که بیانگر شمولیت آیه نسبت به همه فضاها، زیستی و همه عرصه‌های زندگی انسان است اما اغلب روایات بدون تحلیل سیاقی آیه تنها به بیان مصادیق واژگانی اکتفا کرده‌اند.

۳-۲. روایات ناظر به مفهوم «فساد»

در تفاسیر اهل سنت یازده روایت نقل شده‌است که محور مشترک همه آن‌ها در بیان مفاهیم اخلاقی همچون گناه و معصیت، اجتماعی همچون تأثیر اعمال انسان بر دیگران، اقتصادی مانند ربا و کساد بازار، طبیعی همچون قحطی و نابودی کشاورزی و اعتقادی هستند.

مفسران شیعه نیز چهار روایت را بیان کرده‌اند که در آن‌ها به تبیین مفهوم «فساد» پرداخته شده‌است و دامنه معنایی آن‌ها طبیعی، اخلاقی و اجتماعی هستند. یکی از این اقوال، روایتی از امام صادق (ع) است که در تفاسیر گوناگون شیعه آورده شده‌است. در تفاسیر فریقین نیز روایاتی مشترک نقل شده‌اند که آن‌ها نیز به مفاهیم طبیعی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی پرداخته‌اند.

روایات تفسیری ناظر به مفهوم «فساد» به کار رفته در تفاسیر اهل سنت و شیعه دارای چند محور هستند که در ادامه به تحلیل آن‌ها پرداخته شده‌است.

۳-۲-۱. روایات ناظر به فساد طبیعی، محیطی و اقتصادی

بعضی از اقوالی که در تفاسیر فریقین گزارش شده‌اند به پیامدهای گناهان اشاره دارند. در تفاسیر اهل سنت روایاتی نقل شده‌اند که به‌صراحت به فسادهای اقتصادی پرداخته‌اند و دو سطح از ربا در آن‌ها بیان شده‌است. در سطح لغوی واژه ربا به‌معنای زیادت و کثرت و در سطح شرعی به‌معنای زیادتی که خداوند برای انسان‌ها از راه زکات و صدقه مقرر کرده‌است (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۸/۲۸۴). هدف مفسر از بیان این دو نقل می‌تواند مشخص کردن مرز میان زیادت مشروع و نامشروع و همچنین نشان دادن فساد به‌معنای ربا یعنی زیادت نامشروع باشد. در روایتی دیگر، «فساد» از رونق افتادن بازارها و از بین رفتن معاش دانسته شده‌است (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴/۲۶۳).

در چند منبع روایی شیعه، مفسران روایتی از امام صادق (ع) را اینگونه نقل کرده‌اند: «حَیَاةُ ذَوَابِّ الْبَحْرِ بِالْمَطَرِ، فَإِذَا كُفَّ الْمَطَرُ، ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَ ذَلِكَ إِذَا كَثُرَتِ الذُّنُوبُ وَالْمَعَاصِي» (قمی، ۱۴۰۴: ۲/۱۶۰ و حویزی، ۱۴۱۵: ۴/۱۹۰ و بحرانی، ۱۴۱۵: ۴/۳۵۱). این روایت رابطه مستقیم بین اعمال انسان‌ها و پدیده‌های طبیعی را نشان می‌دهد. امام صادق (ع) قطع باران را تنها یک پدیده اقلیمی ندانسته بلکه آن را نتیجه گناهان و معاصی انسان معرفی کرده و یک رابطه علی بین فساد اخلاقی و اختلال در طبیعت به‌وجود آمده‌است. در این دیدگاه انسان نه تنها در برابر جامعه بلکه در برابر همه هستی و حتی موجودات دریایی مسئول اعمالش است.

در تفسیر البرهان ذیل آیه مذکور بابی با عنوان تفسیر الذنوب آمده‌است که در آن روایاتی نقل شده‌اند که بر رابطه مستقیم اعمال انسان با پیامدهای طبیعی تأکید دارند؛ ازجمله این روایات، روایتی است که در آن به گناهای اشاره شده که موجب تغییر نعمت‌ها، ایجاد پشیمانی، تعجیل در عذاب، پرده‌داری، بازگرداندن روزی و شتاب در

مرگ می‌شوند. همچنین در روایتی دیگر امام سجاده (ع) آیه «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد ۱۱) را به عنوان شاهی قرآنی مطرح کرده است (بحرانی، ۱۴۱۵: ۴/۳۵۱) که به این مفهوم تأکید دارد.

مفسران فریقین از اقوال مشترکی نیز در این زمینه بهره برده‌اند؛ از جمله نقلی از عطیه که «فساد» را کمبود باران معنا کرده و پیامد آن کمبود غواصی و صید دانسته شده است (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸/۵۱۲ و حاکم جشمی، ۱۴۴۰: ۸/۵۶۲۹). در نقلی دیگر از مجاهد روایتی اینگونه نقل شده است: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا الْآيَةَ، قَالَ: إِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ بِالْعَدَاءِ وَالظُّلْمِ، فَيَحْبِسُ اللَّهُ الْقَطْرَ، فَيُهْلِكُ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَالْأَلَّةَ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ» (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸/۵۱۰) که در آن فساد به عداوت و ظلم نسبت داده شده و پیامدهای این ظلم را حبس باران و نابودی حرث و نسل دانسته و مشابه آن از حسن نقل شده‌است که به ظهور عقوبت فساد تأکید دارد (طوسی، بی تا: ۸/۲۵۷). ابن عباس هم تولید مروارید را با بارش باران مرتبط می‌داند (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۷/۳۰۵ و حاکم جشمی: ۱۴۴۰: ۸/۵۶۲۹). در نقلی دیگر خشکسالی، نبود گیاه، کاهش روزی، افزایش ترس و امثال آن از معانی «فساد» بیان شده‌است (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴/۲۶۳ و حاکم جشمی، ۱۴۴۰: ۸/۵۶۲۹).

بنابراین روایات تفسیری نقل شده در تفاسیر فریقین، میان گناهان انسان و اختلال در معیشت، نظام طبیعی و اقتصادی ارتباط برقرار کرده‌اند و نشان می‌دهند که «فساد» می‌تواند به اختلال در طبیعت و کاهش منابع زندگی انسان مربوط باشد که در محیط زیست ظهور پیدا می‌کند. در این روایات «فساد» شامل مصادیقی همچون کاهش باران، خشکسالی، کاهش روزی و رکود اقتصادی دانسته شده است که همگی به عنوان آثار تکوینی اعمال انسان به شمار می‌آیند.

تفاسیر اهل سنت اغلب بر پایه اقوال صحابه و تابعین هستند و در بیان مصادیق و نمونه‌ها جزئیات بیشتری را بیان کرده‌اند؛ اما در تفاسیر شیعه که دامنه روایات کمی محدودتر است بر اساس روایات منقول از ائمه (ع) تبیین شده‌اند و نگاهی نظام‌مندتر به ارتباط اعمال انسان با نظم هستی دارند.

۳-۲-۲. روایات ناظر به فساد اخلاقی و اجتماعی

در این بخش روایاتی بیان شده‌اند که مفسران فریقین از آن‌ها بهره برده‌اند و ناظر به معنای فساد در زمینه اخلاقی و آثار اجتماعی آن هستند.

مفسران اهل سنت بیشتر به نقل روایات در این زمینه پرداخته‌اند. از جمله روایات نقل شده از ابن زید (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸ / ۵۱۱) و قتاده (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳ / ۱۵) که «فساد» را به معنای گناهان و ظلم و ضلالت تبیین کرده‌اند و در نقلی دیگر «فساد» قطع سبیل معنا شده‌است (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۲۶۳). بعضی دیگر از نقل‌ها همچون نقلی از ثقیف الزاهد اینگونه آمده‌است: «قال: من أكل الحرام، فقد خان جميع الناس، حيث لا يستجاب دعاؤه» (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳ / ۱۵) و خوردن مال حرام را مصداق از «فساد» می‌داند و نشان می‌دهد که گناهان فردی خیانتی در حق همه مردم است. در نقلی از حسن، علت فساد، گناهان و اعمال خبیثه انسان‌ها دانسته شده‌است (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۸ / ۲۸۴). در یک نقل از سدی نیز شرک را به عنوان بزرگترین «فساد» معنا کرده‌است (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۲۶۳).

در تفاسیر شیعه در یک قول تفسیری مصداق اجتماعی فساد بیان شده‌است؛ فساد در خشکی به معنای پدید آمدن ترس‌ها و ایجاد عوامل بازدارنده از حرکت در مسیر زندگی است که به سبب خذلان الهی پدیدار می‌شود و فساد در دریا ایجاد آشفتگی در

مطالعه تطبیقی روایات تفسیری فریقین در تفسیر آیه ظهور فساد ... / نیکبخت ۳۴۷

آن است به طوری که نتوان از آن بهره برد (طوسی، بی تا: ۸/ ۲۵۶ و طبرسی، ۱۴۰۸: ۸/ ۴۸۰).
روایتی مشترک در تفاسیر اهل سنت و شیعه نقل شده از مجاهد (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸/ ۵۱۰) و حسن (طوسی، بی تا: ۸/ ۲۵۷) با استناد به آیه ۲۰۵ سوره بقره، «فساد»، دشمنی‌ها و ظلم معنا شده که از آثار آن حبس باران و از بین رفتن نسل و کشت است.
بنابراین مفسران فریقین روایاتی را نقل کرده‌اند که در آن‌ها «فساد» به عنوان یک رفتار فردی است که موجب اختلال در نظم اجتماعی می‌شود، اما در چگونگی تمرکز بر مصادیق دارای تفاوت‌هایی هستند. مفسران اهل سنت با نقل‌های متعدد، مصادیق گسترده‌تری از فساد همچون گناهان فردی و اجتماعی، ظلم، ضلالت، قطع راه، خوردن مال حرام و شرک را بیان کرده‌اند و رفتارهای انسان را منشأ اختلال در نظم اجتماعی دانسته‌اند. در حالی که مفسران شیعه از روایات محدودتری بهره برده‌اند و «فساد» را به معنای اختلال در آرامش و استفاده از منابع طبیعی تبیین کرده‌اند و آن را خذلان الهی می‌دانند.

در روایات مشترک نقل شده در تفاسیر فریقین نیز به اصل پیوند بین فساد به عنوان ظلم اجتماعی و از بین رفتن برکات اشاره شده است.
پس می‌توان گفت که در روایات تفسیری فریقین مفهوم «فساد» در محور اخلاقی و اجتماعی، مفهومی چند لایه دارد.

۳-۲-۳. روایات ناظر به غایت تربیتی ظهور فساد

در تفاسیر اهل سنت ذیل آیه ۴۱ سوره روم، مجموعه‌ای از روایات نقل شده است که هدف آن‌ها تبیین غایت ظهور فساد و کارکرد تربیتی آن است. محور معنایی این اقوال بازگشت انسان‌ها به مسیر حق، ترک معاصی و توبه است. بعضی از آن‌ها عقوبت‌های

دنیوی را وسیله‌ای برای بازگشت انسان از مسیر نادرست می‌دانند. مفسران شیعه تنها یک روایت را نقل کرده‌اند که به این محور پرداخته‌است و علت ظهور فساد را بیان می‌کند.

در تفاسیر اهل سنت این روایات عبارتند از: روایتی از حسن بصری که هدف آیه توبه و بازگشت دانسته شده‌است (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸/۵۱۳). وی در روایت دیگری اینگونه می‌گوید: «عَنِ الْحَسَنِ، لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ قَالَ: يَرْجِعُ مَنْ بَعْدَهُمْ» (همان: ۵۱۴ و ماتریدی: ۱۴۲۶: ۸/۲۸۴) و بازگشت را برای نسل‌های بعدی می‌داند و تأکید دارد که آیه محدود به مخاطبان مستقیم نیست، بلکه وسیله‌ای برای عبرت‌گیری نسل آینده نیز است. در نقلی از ابراهیم نیز به جنبه تربیتی آیه تأکید شده و هدف از چشاندن پیامدهای اعمال را بازگشت به سوی حقیقت و درستی معنا کرده‌است (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸/۵۱۳). روایتی از قتاده نقل شده که نسبت به روایات دیگر دارای گستردگی بیشتری است. وی مصادیق مختلف بازگشت یعنی رجوع، توبه و استعتاب را مطرح کرده و هدف از آن را یعنی وادار کردن انسان‌ها به توبه و متنبه شدن به این امور دانسته‌است (ماتریدی، ۱۴۲۶: ۸/۲۸۴). این روایات نشان می‌دهند که هدف آیه از ظهور فساد در «بر» و «بحر»، بازگرداندن انسان به مسیر صلاح و اصلاح رفتارشان است.

همانطور که گفته شد در تفاسیر شیعه روایاتی که به غایت تربیتی آیه اشاره داشته‌باشند کمتر نقل شده‌است. تنها در یک روایت فساد ظاهر شده در «بر» و «بحر» به‌عنوان خذلان الهی دانسته شده که هدف از آن جلوگیری و بازگشت از معصیت است (طبرسی، بی‌تا: ۸/۴۸۰).

بنابراین تفاسیر اهل سنت در زمینه غایت آیه دارای تنوع روایی بیشتری هستند و ابعاد آن را به‌طور تفصیلی بیان کرده‌اند و محور مشترک این اقوال پرداختن به غایت تربیتی ظهور فساد است که به‌دلیل اعمال انسان پدید آمده‌اند. کم‌بودن این روایات در

تفاسیر شیعه ناشی از بی توجهی به این محور از آیه نیست، بلکه می تواند به دلیل تفاوت در روش شناختی در حجیت روایات تفسیری و جایگاه منابع تفسیری باشد.

۳-۲-۴. روایات ناظر به مفاهیم تاریخی - سیاسی

در این قسمت به روایاتی پرداخته شده است که ناظر به بعد تاریخی - سیاسی آیه هستند. این روایات نشان می دهند که «فساد» تنها به معنای گناهان و پیامد طبیعی و اجتماعی گناهان نیستند، بلکه گاهی به وضعیت سیاسی و تاریخی در زمان های خاص نیز اشاره دارند به طوری که برای مخاطب عبرت آموز باشند.

در تفاسیر فریقین دو روایت وجود دارد که معنای آیه را با مفهوم سیاسی - تاریخی پیوند می زنند. روایت اول در مورد قتل هابیل به دست برادرش و ظلم جلندی در دریاها است که در اقوال مختلف در تفاسیر مختلف به خصوص در تفاسیر اهل سنت نقل شده است. در نقل هایی از مجاهد (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸ / ۵۱۱ و طوسی، بی تا: ۸ / ۲۵۶)، ابن ابی نجیح (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸ / ۵۱۲)، ابن عباس (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳ / ۴۸۲) و عکرمه (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴ / ۲۶۴)، «فساد» به فجایع انسانی در گذشته نسبت داده شده است. در این روایات فساد در «بر» را قتل هابیل به دست برادرش قابیل و فساد در «بحر» را غصب کشتی ها به دست جلندی دانسته اند.

روایت دوم نقلی از قتاده است که به دوران قبل از بعثت پیامبر (ص) اشاره دارد و در تفاسیر محدود فریقین به چشم می خورد. این روایت شرایط قبل از بعثت پیامبر (ص) که پر از ظلم و ضلالت بود را بیان می کند و آن را مصداق آیه قرار می دهد (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸ / ۵۱۰ و کاشانی، ۱۳۳۶: ۷ / ۱۸۵). تحلیل تفصیلی این روایات در بخش بعدی آمده است.

مفسران شیعه علاوه بر این‌ها روایتی از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده‌اند که «فساد» را مربوط به رخداد سیاسی بعد از رحلت پیامبر (ص) و جانشینی ایشان دانسته‌است (قمی، ۱۴۰۴: ۲/ ۱۶۰). تحلیل تفصیلی این روایت نیز در بخش بعدی بیان شده‌است.

بنابراین می‌توان گفت اغلب مفسران اهل سنت از روایات تفسیری در چهارچوب اخلاق فردی و نظم اجتماعی بهره برده‌اند و فاقد ارتباط با مسأله امامت به‌عنوان ادامه هدایت الهی هستند. این تفاسیر بیشتر به مسئولیت فرد و جامعه در مقابل اعمالش تمرکز دارند و به نقش رهبری دینی در روایات توجه نمی‌کنند.

در مقابل مفسران شیعه در تبیین آیه به روایاتی در ارتباط با دوری از ولایت الهی و امام معصوم (ع) می‌پردازند. در این روی‌کرد، فساد علاوه بر اینکه به دلیل اعمال نادرست انسان‌ها پدید می‌آید، در نتیجه فقدان امام در جامعه و اختلال در نظام هدایت الهی نیز رخ می‌دهد.

۳-۲-۵. روایات ناظر به مفاهیم عرفانی

در بعضی از منابع تفسیری فریقین نقل‌های محدود با گرایش عرفانی وجود دارد که مفهوم واژگان «بر» و «بحر» را مطابق با عرصه‌های درونی انسان می‌دانند؛ ازجمله روایت نقل‌شده از ابی‌العالیه که «بر» را به معنای جوارح انسان و «بحر» را به معنای قلب‌های آنان دانسته‌است (سمرقندی، ۱۴۱۶: ۳/ ۱۵). در تفاسیر شیعه نیز نقلی مشابه آن بیان شده‌است که «بر» را به نفس و «بحر» را به قلب تعبیر کرده‌اند (کاشانی، ۱۳۳۶: ۷/ ۱۸۶). این روایات ناظر به ساختار وجودی انسان هستند و بیانگر این است که آیه ۴۱ سورة روم علاوه بر قرائت‌های اجتماعی و تاریخی ظرفیت تفسیر باطنی را نیز دارد که

می تواند بین اخلاق فردی و فساد بیرونی ارتباط برقرار کند اما مفسران فریقین از روایات با محورهای جغرافیایی، طبیعی و تاریخی بسیار بیشتر بهره برده اند.

۴. تحلیل سه روایت تاریخی - سیاسی

در این قسمت به تحلیل تفصیلی سه روایت تاریخی معرفی شده در بخش قبلی پرداخته شده است.

۴-۱. تحلیل روایت تفسیری فریقین در مورد فساد پیش از بعثت و تطبیق آن با دوران پیش از ظهور

در بین روایات تفسیری اهل سنت و شیعه ذیل آیه ۴۱ سورة روم نقلی از قتاده دارای جایگاه ویژه ای است. وی در تفسیر عبارت «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ» اینگونه می گوید: «هَذَا قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امْتَلَأَتْ ضَلَالَةً وَظُلْمًا، فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيَّهُ، رَجَعَ رَاجِعُونَ مِنَ النَّاسِ» (طبری، ۱۴۲۲: ۵۱۱ / ۱۸ و زمخشری، ۱۴۰۷: ۴۸۲ / ۳ و کاشانی، ۱۳۳۶: ۱۸۵ / ۷). در این روایت ظهور فساد به دوران قبل از بعثت پیامبر (ص) تطبیق داده شده است. این یک تطبیق تاریخی - قصصی است که مفهوم آیه به یک مقطع زمانی محدود شده که در آن رابطه فساد با بعثت مشخص است. روایت نشان می دهد که قبل از بعثت، گمراهی و ظلم که از جمله بحران های اخلاقی و اجتماعی به شمار می روند به اوج خود رسیده بود که به خواست خداوند، بعثت پیامبر (ص) موجب اصلاح این وضعیت شد و در نتیجه آن تعدادی از مردم به مسیر هدایت بازگشتند.

در نهج البلاغه تصویری از دوران جاهلیت بیان شده است که می تواند در فهم روایت قتاده در مقام مقایسه به کار گرفته شود. حضرت علی (ع) در خطبه های ۲۶ و

۸۹ ویژگی‌های این دوران را این چنین برمی‌شمارد: شرایط بد زندگی و خوارک، قتل و خونریزی، قطع روابط خویشاوندی، بت پرستی، افزایش فتنه‌ها، شعله‌ور شدن جنگ‌ها و قرار گرفتن دنیا در نهایت فساد و گمراهی. ایشان علت این وضعیت مردم را فترت رسل و نبودن راهنمای الهی برای مدت طولانی دانسته به طوری که مردم در جهل به سر می‌بردند (نهج البلاغه خ ۲۶ و ۸۹).

مقایسه این دو روایات تفسیری نشان می‌دهد که روایت قتاده بیشتر به ضلالت و ظلم که فسادهای ناشی از اعمال مردم هستند تأکید دارد و در نهج البلاغه فترت رسل و نبودن هدایت الهی علت اصلی فساد دانسته شده است. این دو نگرش مکمل یکدیگر هستند و می‌توان گفت که اعمال مردم فساد را به وجود آورده و نبودن هدایت الهی بر شدت آن افزوده است. بعثت پیامبر (ص) می‌تواند نقطه آغاز بازگشت به مسیر صلاح الهی باشد.

بنابراین، می‌توان روایت قتاده و سخنان حضرت علی (ع) را از نظر مفهومی به دوران عصر غیبت و پیش از ظهور تعمیم داد. درواقع، همان‌طور که در دوران پیش از بعثت پیامبر (ص) جهان آکنده از ظلم و ضلالت شده بود، طبق روایات شیعی نیز عصر غیبت دورانی پر از ظلم و فساد دانسته شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱/ ۲۸۷). از طرفی همان‌گونه که حضرت علی (ع) جاهلیت را به دلیل نبود رسول الهی دانسته است، دوران غیبت نیز عصر نبود امام حاضر است. در هر دو دوره سنت الهی بر مداخله الهی در فرستادن انبیا یا ظهور منجی برای بازگرداندن بشر به مسیر صلاح و توحید است.

یکی از سنت‌های حتمی الهی که در آیات قرآن نیز به آن اشاره شده هدایت انسان است که از زمان هبوط آدم (ع) بر روی زمین برقرار بوده است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۹: ۳۳/ ۷۵). از جمله این آیات می‌توان به سوره حدید اشاره کرد: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا

رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید ۲۵).

این مفهوم در روایات دیگری هم به چشم می خورد مانند روایتی از حسن بصری که طبری و سیوطی آن را نقل کرده اند: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ قَالَ أَفْسَدَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ فِي بَرِّ الْأَرْضِ وَبَحْرِهَا بِأَعْمَالِهِمُ الْخَبِيثَةِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ قَالَ يَرْجِعُ مِنْ بَعْدِهِمْ» (طبری، ۱۴۲۲: ۱۸/ ۵۱۱ و سیوطی، ۱۴۰۴: ۵/ ۱۵۸). بر اساس این روایت علاوه بر سنت الهی در بازگشت بشر به هدایت و با توجه به عبارت «یرجع من بعدهم» امکان عام بودن و امتداد مفهوم روایات در تاریخ و تعمیم آن به دوران پسینی از جمله زمان پیش از ظهور وجود دارد. از این منظر می توان نتیجه گرفت همان طور که گسترش فساد در دوران پیش از بعثت موجب یک تحول عظیم تاریخی شد، در زمان عصر غیبت نیز اتفاق خواهد افتاد و به ظهور منجی ختم می شود. بنابراین روایت قتاده و سخنان حضرت علی (ع) به فساد فراگیر در دوران پیش از بعثت و مداخله الهی برای بازگشت انسان ها تأکید شده است. روایت حسن بصری هم به امکان امتداد تاریخی فساد و عبرت گیری و بازگشت نسل های بعدی تأکید دارد. این روایات نگاهی جامع از سنت الهی را نشان می دهد که فساد فراگیر به همراه فقدان الهی موجب مداخله الهی یعنی بعثت یا ظهور شده و در نتیجه آن بازگشت مردم به مسیر الهی آغاز می شود.

۴-۲. تحلیل روایت تفسیری بزرگترین اختلاف در اسلام

همان طور که در بخش قبلی بیان شد، یکی از مهم ترین روایات نقل شده در تفاسیر شیعی ذیل آیه ۴۱ سوره روم، روایت «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»، قَالَ ذَلِكَ وَاللَّهِ يَوْمَ قَالَتِ الْأَنْصَارُ مِثْلَ رَجُلٍ وَ مِنْكُمْ رَجُلٌ» با مضمون تاریخی و سیاسی است.

در این روایت مصداقی از «فساد» مربوط به رخداد سیاسی بعد از رحلت پیامبر (ص) دانسته شده است؛ به طوری که انصار و مهاجرین در انتخاب جانشین و امیر پس از رسول خدا (ص) دچار اختلاف شدند و هر کدام شعار «منا رجل و منکم رجل» را مطرح کردند.

شهرستانی درباره این اختلاف این گونه می گوید:

بزرگترین اختلاف در امت بر سر مسأله امامت به وجود آمد. این اختلاف بعد از وفات پیامبر (ص) ابتدا بین مهاجر و انصار پدید آمد و انصار پیشنهاد دادند که هر گروه رهبر خود را داشته باشند، ولی ابوبکر و عمر وارد سقیفه شدند و عمر با ابوبکر به عنوان خلیفه بیعت کرد و دیگران نیز با وی بیعت کردند ولی عمر این بیعت را حساب نشده خواند و گفت بعد از این نباید تکرار شود و علت اینکه انصار از ادعای خود دست کشیدند این بود که ابوبکر روایت پیامبر (ص) را نقل کرد که فرموده بودند: «پیشوایان از قریش اند». بنابراین بیعت در سقیفه تمام شد و زمانی که ابوبکر به مسجد بازگشت مردم دسته دسته با او بیعت کردند (شهرستانی: ۱۴۱۵: ۱/ ۳۱).

درواقع این روایت، شعار «منا رجل و منکم رجل» را مصداقی از «فساد» معرفی کرده است که در نتیجه، کسب نادرست مردم به وجود آمده است.

این تفسیر نمونه ای از خوانش تاریخی سیاسی از آیه است که نشان می دهد مفسر «فساد» را به معنای شکاف سیاسی و اجتماعی در امت اسلامی در نظر گرفته است. درواقع، مفسر در تبیین این واژه صرفاً دیدگاهی با جنبه طبیعی و اخلاقی ندارد و نگرش سیاسی درمورد آیه به کار برده است و «فساد» یک نزاع سیاسی دانسته شده است که بنیان جامعه را متزلزل می کند و این روایت یک نمونه تاریخی از معنای آیه را نشان می دهد.

بنابراین این گونه روایات که آیات قرآن را با روی کردی انتقادی و عبرت آموز تبیین می کنند شاهی هستند بر وجود روایاتی که هم تفسیری هستند و هم تاریخی.

۴-۳. تحلیل روایت با مضمون مهدویت

در این قسمت به روایتی پرداخته شده که در منابع تفسیری نقل نشده است، اما چون از نظر مفهومی با آیه ۴۱ سورة روم در ارتباط است، مورد توجه قرار می گیرد. این روایت شامل متن دعای عهد است که آیه مذکور در ادامه دعا برای فرج امام زمان (عج) به کار رفته است: «...اللَّهُمَّ اَعْمُرْ بِهِ بِلَادَكَ وَ اَحْيِ بِهِ عِبَادَكَ فَإِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَخْرُ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ فَأُظْهِرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ وَ يُحَقِّقُ اللَّهُ بِهِ الْحَقَّ وَ يُحَقِّقَهُ...».

در حکومت امام زمان (عج) رفاه عمومی برای مردم ایجاد می شود و استناد به آیه ۴۱ سورة روم در این دعا اشاره به فسادهای فراگیر مادی و معنوی است که توسط مردم ایجاد شده است و از خداوند می خواهیم که امام زمان (عج) را برساند تا این فسادها را برطرف کند.

استناد به این آیه در میان دعا نشان دهنده وجود مفاسد جهانی در دوری از حجت الهی است. این دعا ضرورت وجود ولی خدا را برای اصلاح وضعیت موجود در جهان را لازم می داند. در ادامه دعا می فرماید: «لَا يَظْفَرُ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَرْقَهُ» و ظهور امام را به عنوان وعده الهی در جهت اجرای حق معرفی می کند و بعد از آن نیز به این مسأله تأکید شده است که تحقق وعده الهی از طریق کلمات و قدرت الهی انجام می شود.

گرچه این روایت به تفسیر مستقیم آیه نپرداخته است اما با کاربرد آیه در متن روایت در بستر فرج منجی می توان تأویلی مهدوی از آیه ارائه داد. بنابراین این روایت

یک تفسیر مهدوی از آیه ۴۱ سورة روم را بیان می‌کند و نشان‌دهنده پیوند سنت شیعی با مسأله انتظار است.

بنابراین تحلیل روایات در ارتباط با آیه ۴۱ سورة روم نشان می‌دهد که در شیعه، تفسیر این آیه دارای مفهومی چندلایه و وابسته به نظام عقیدتی امامیه است. استفاده از این روایات در تفسیر آیه فهمی عمیق‌تر از آیه را ارائه می‌دهد و پیوندی محکم بین قرآن و ائمه (ع) برای هدایت انسان برقرار می‌سازد.

۵. نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی روایات تفسیری به‌کاررفته در تفاسیر فریقین ذیل آیه ۴۱ سورة روم نشان می‌دهد که این آیه در روی‌کرد روایی دارای ظرفیت معنایی چند لایه است و روایات تفسیری می‌توانند در فهم تفسیری مفسران از آیه تأثیرگذار باشند. بررسی روایات تفسیری نشان می‌دهد که اختلاف مفسران در استفاده از روایات می‌تواند به دلیل تفاوت در مبانی کلامی آن‌ها باشد.

روایات تفسیری به‌کاررفته در تبیین مفهوم واژگان «بر» و «بحر» به تبیین ساحت‌های جغرافیایی، اجتماعی و زیست‌محیطی آیه می‌پردازند و در تفاسیر فریقین تفاوت چندانی در به‌کارگیری آن‌ها وجود ندارد. این روایات به شمولیت آیه در همه عرصه‌های زندگی اشاره دارند و کمتر به تحلیل سیاقی آیه می‌پردازند.

مفسران فریقین در تبیین مفهوم «فساد» از روایات مختلفی بهره برده‌اند. مفسران اهل سنت با تمرکز بر اقوال صحابه و تابعین طیف گسترده‌ای از روایات را در بیان مصادیق مختلف فساد همچون گناهان فردی، اجتماعی و پیامدهای طبیعی، محیطی و اقتصادی نقل کرده‌اند که در آن‌ها به مسئولیت فرد در برابر جامعه تأکید شده است.

مفسران شیعه از روایات محدودتری بهره برده‌اند، اما با تکیه بر روایات ائمه (ع) نگاهی نظام‌مندتر به ارتباط اعمال انسان با نظم هستی دارند.

مفسران اهل سنت در محور غایت تربیتی آیه توجه بیشتری دارند و از روایات تفسیری مختلفی در این زمینه بهره برده‌اند. در این روایات ظهور فساد، ابزار تربیت الهی برای بازگشت، توبه و عبرت‌گیری نسل‌های آینده دانسته شده‌است اما مفسران شیعه تنها در قالب روایت خذلان الهی به آن اشاره کرده‌اند.

تفاوت مفسران فریقین در به‌کارگیری روایات تفسیری بیشتر در تحلیل روایات تاریخی-سیاسی وجود دارد. مفسران اهل سنت غالباً با تطبیق تاریخی زدن این روایات برای عبرت‌گیری استفاده می‌کنند، درحالی‌که مفسران شیعه علاوه بر این‌ها از روایات برای بیان گسست از ولایت الهی و عواقب نبودن ولی الهی و همچنین، دوران عصر غیبت بهره می‌برند. این تفاوت می‌تواند ناشی از چارچوب کلامی دو مذهب باشد، به‌طوری‌که در الهیات مفسران شیعه، امامت یکی از ارکان اعتقادی محسوب می‌شود. بنابراین آیه ۴۱ سورة روم در بین مفسران شیعه در پرتو این اصل تبیین می‌شود.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (بی‌تا). *لسان العرب*. چاپ اول، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۹ ق). *تفسیر القرآن العظیم*. چاپ سوم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۹۵ ق). *کمال الدین و تمام النعمة*. تهران: دار الکتب الإسلامية.
- پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. مرکز فرهنگ و معارف قرآن. (۱۳۸۳ ش). قم: مؤسسه

- بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲ ق.). *الكشف و البيان المعروف تفسیر الثعلبی*. چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حاکم جشمی، محسن بن محمد. (۱۴۴۰ ق.). *التهذیب فی التفسیر*. چاپ اول، قاهره: دار الكتاب المصری.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ ق.). *مفردات ألفاظ القرآن*. چاپ اول، بیروت: دار الشامیة.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ ق.). *الكشاف*. بیروت: دار الكتاب العربی.
- سمرقندی، نصر بن محمد. (۱۴۱۶ ق.). *تفسیر السمرقندی*. چاپ اول، بیروت: دار الفكر.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۰۴ ق.). *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*. چاپ اول. قم: مکتبة آية الله العظمی المرعشی النجفی (ره).
- شوکانی، محمد. (۱۴۱۴ ق.). *فتح القدير*. چاپ اول. دمشق: دار ابن کثیر.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۴۱۵ ق.). *الملل و النحل*. بیروت: دار المعرفة.
- صبحی، صالح. (۱۴۰۷ ق.). *نهج البلاغة*. قم: مؤسسة دار الهجرة.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۰۸ ق.). *مجمع البیان*. چاپ دوم، بیروت: دار المعرفة.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۴۲۲ ق.). *جامع البیان عن تاویل آی القرآن*. چاپ اول، قاهره: هجر.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵ ش.). *مجمع البحرین*. چاپ سوم، تهران: مکتبة المرتضویة.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عمر، احمد مختار. (۱۴۲۹ ق.). *معجم اللغة العربية المعاصرة*. چاپ اول، قاهره: عالم الكتب.
- فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ ق.). *التفسیر الكبير*. چاپ سوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ ق.). *العين*. چاپ دوم، قم: مؤسسة دار الهجرة.
- قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱ ش.). *قاموس قرآن*. چاپ ششم، تهران: دار الكتب الإسلامية.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ ق.). *تفسیر القمی*. چاپ سوم، قم: دار الكتاب.
- کاشانی، فتح الله بن شکرالله. (۱۳۳۶ ش.). *تفسیر کبیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*. چاپ

اول، تهران: کتابفروشی و چاپخانه محمدحسن علمی.

کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله. (۱۳۸۱ ش). *زبدۃ التفسیر*. چاپ اول، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
ماتریدی، محمد بن محمد. (۱۴۲۶ ق). *تأویلات أهل السنة*. چاپ اول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*. چاپ اول، بیروت: دارالفکر.

معلوف، لوئیس. (۱۳۷۱ ش). *المنجد فی اللغة*. چاپ سوم، قم: اسماعیلیان.
هاشمی رفسنجانی، اکبر. (۱۳۷۹ ش). *فرهنگ قرآن: کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآن کریم*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مرکز انتشارات.
موسی زهی، شکریه و بختیاری، شهین و مرادی، پروانه و مرادی، سمین. (۱۴۰۰ ش). «ظهور فساد و تاثیر آن بر عالم و انسان از دیدگاه قرآن و حدیث». *اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات میان رشته‌ای علوم بهداشتی، روانشناسی، مدیریت و علوم تربیتی*.
نکویی، صدیقه و امین ناجی، محمد هادی و سعدی، محمد جواد. (۱۳۹۴ ش). «بررسی تفسیری «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ»». *مجله مطالعات تفسیری*. سال ششم، شماره ۲۲. ص ۱۱۶-۱۰۵.

Bibliography

- Al-Tha'labī, A. b. M. (1422 AH). *Al-Kashf wa al-Bayān* [Tafsīr al-Tha'labī] (1st ed.). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
Fakhr al-Rāzī, M. b. 'U. (1420 AH). *Al-Tafsīr al-Kabīr* (3rd ed.). Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic]
Farrāhīdī, K. b. A. (1409 AH). *Al-Āyn* (2nd ed.). Mu'assasat Dār al-Hijrah. [In Arabic]
Ḥākim Jashmī, M. b. M. (1440 AH). *Al-Tahdhīb fī al-Tafsīr* (1st ed.). Dār al-Kitāb al-Miṣrī. [In Arabic]
Hāshimī-Rafsanjānī, A. (1379 SH). *Farhang-e Qur'ān: Kelid-i Rāhyābī be Mawāzī' va Mafāhīm-e Qur'ān al-Karīm*. Daftar-e Tablighāt Islāmī-ye Ḥawzah 'Ilmiyya, Markaz-e Intishārāt. [In Persian]
Ibn Abī Ḥātim, 'A. b. M. (1419 AH). *Tafsīr al-Qur'ān al-Aẓīm* (3rd ed.). Maktabat Nizār Muṣṭafā al-Bāz. [In Arabic]
Ibn Bābawayh, M. b. 'A. (1395 AH). *Kamāl al-Dīn wa Tamām al-Ni'mah*. Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [In Arabic]

- Ibn Manzūr, M. b. M. (n.d.). *Lisān al-ʿArab* (1st ed.). Dār al-Fikr li-l-Ṭibāʿa wa-l-Nashr wa-l-Tawzīʿ. [In Arabic]
- Kāshānī, F. b. S. (1336 SH). *Tafsīr Kabīr: Minhaj al-Ṣādiqīn fī Ilzām al-Mukhālifīn* (1st ed.). Ketābfurūshī va Chāpkhāneh-ye Muḥammad Ḥasan ʿElmī. [In Persian]
- Kāshānī, F. b. S. (1381 SH). *Zubdat al-Tafsīr* (1st ed.). Muʿassasat al-Maʿārif al-Islāmiyya. [In Arabic]
- Māturīdī, M. b. M. (1426 AH). *Taʾwīlāt Ahl al-Sunnah* (1st ed.). Dār al-Kutub al-ʿIlmiyya. [In Arabic]
- Maʿlūf, L. (1371 SH). *Al-Munjid fī al-Lughah* (3rd ed.). Ismāʿīliyyān. [In Arabic]
- Murtadā Zubaydī, M. b. M. (1414 AH). *Tāj al-ʿArūs min Jawāhir al-Qāmūs* (1st ed.). Dār al-Fikr. [In Arabic]
- Mūsā Zehī, S., Bakhtiyārī, S., Morādī, P., & Morādī, S. (1400 SH). Zuhūr-i Fasād va Taʾthīr Ān bar ʿĀlam va Insān az Dīdgāh-i Qurʾān va Ḥadīth. In *Proceedings of the First International Conference on Interdisciplinary Studies in Health Sciences, Psychology, Management, and Educational Sciences*. [In Persian]
- Nakūʾī, S., Nājī, M. H. A., & Saʿdī, M. J. (2015). An interpretive study of “zahara al-fasādu fī al-barri wa al-baḥr”. *Journal of Interpretive Studies*, 6(22), 105–116. [In Persian]
- Qumī, ʿA. b. I. (1404 AH). *Tafsīr al-Qumī* (3rd ed.). Dār al-Kitāb. [In Arabic]
- Qurashī, ʿA. A. (1371 SH). *Qāmūs al-Qurʾān* (6th ed.). Dār al-Kutub al-Islāmiyya. [In Persian]
- Rāghib al-Isfahānī, Ḥ. b. M. (1412 AH). *Mufradāt Alfāẓ al-Qurʾān* (1st ed.). Dār al-Shāmiyya. [In Arabic]
- Research Institute for Islamic Sciences and Culture, Center for Qurʾanic Culture and Teachings. (1383 SH). [Title not provided]. Būstān-e Ketāb Institute (Publishing Center of the Office for Islamic Propagation of the Qom Seminary). [In Persian]
- Samarqandī, N. b. M. (1416 AH). *Tafsīr al-Samarqandī* (1st ed.). Dār al-Fikr. [In Arabic]
- Shahrastānī, M. b. ʿA. (1415 AH). *Al-Milal wa al-Niḥal*. Dār al-Maʿrifa. [In Arabic]
- Shawkānī, M. (1414 AH). *Faṭḥ al-Qadīr* (1st ed.). Dār Ibn Kathīr. [In Arabic]
- Suyūṭī, ʿA. b. A. B. (1404 AH). *Al-Durr al-Manthūr fī al-Tafsīr bi-l-Maṭhūr* (1st ed.). Maktabat Āyat Allāh al-ʿUzmā al-Marʿashī al-Najafī. [In Arabic]
- Ṣubḥī, Ṣ. (1407 AH). *Nahj al-Balāghah*. Muʿassasat Dār al-Hijrah. [In Arabic]
- Ṭabarī, M. b. J. (1422 AH). *Jāmiʿ al-Bayān ʿan Taʾwīl Āy al-Qurʾān* (1st ed.). Hajar. [In Arabic]
- Ṭabarṣī, F. b. Ḥ. (1408 AH). *Majmaʿ al-Bayān* (2nd ed.). Dār al-Maʿrifa. [In Arabic]
- The Holy Qurʾān. (n.d.).
- Ṭurayḥī, F. b. M. (1375 SH). *Majmaʿ al-Baḥrayn* (3rd ed.). Maktabat al-Murtaḍawiyya. [In Persian]

Ṭūsī, M. b. Ḥ. (n.d.). *Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qurʾān* (1st ed.). Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī. [In Arabic]

ʿUmar, A. M. (1429 AH). *Muṣam al-Lughah al-ʿArabiyya al-Muʾāṣirah* (1st ed.). ʿĀlam al-Kutub. [In Arabic]

Al-Zamakhsharī, M. b. ʿU. (1407 AH). *Al-Kashshāf*. Dār al-Kitāb al-ʿArabī. [In Arabic]